



# مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۵

- بار اثبات دعوا در داوری تجاری بین المللی  
همایون مافی، مانده اصغرزاده  
تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری  
محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، پوریا ابراهیم زاده  
بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام های حقوقی مختلف  
امیررضا محمودی، آتوشا ظفری کوره تاش  
حقوق فدراسیونی در فوتبال: رویکرد نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، آرژانتین، برزیل، اسپانیا و کلمبیا  
بهنام نورزاده  
تعارض آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول با قوانین و اصول حقوقی  
اکبر ایمان پور، سهنند نجادی ایجادکار  
شخصیت مجرمانه و رابطه آن با مجازات موثر  
مریم بهمنی، مصطفی کرمی پور  
چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادها در حقوق ایران  
فرزین یزدان پناه، محمدرضا نصیری  
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی  
علیرضا درائی، سیدابراهیم مرتضوی، امیرحسین ابوالحسنی  
طلاق به درخواست زن در نظام حقوقی ایران  
محمد احمدی، حلما سادات ذریه کرمانشاهی  
ماهیت کیفری قرعه کشی های آنلاین در حقوق ایران  
محمدحسین حاجب، زهرا ربانی، رویا آسیایی  
قرارداد بیع متقابل در نظام حقوقی ایران  
صادق محبی، محمدعلی جهانی  
ویژگی ها و خصوصیات جرائم سایبری در نظام کیفری ایران  
سیده الهه بابونکی  
بررسی حق اشتغال زنان در حقوق بین الملل  
حبیب اله عبدالله پور، سما خدایاری  
اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازا اجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده  
لیلا احدی  
مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی  
رژین مسعودی، جمال رضایی حسین آبادی  
واکاوی حقوقی ساختار نظارتی بازار غیرمتشکل پولی در ایران: از ابهامات مفهومی تا چالش‌های تقنینی و اجرایی  
علی بابایی  
تأثیر نهادهای مستقل بین المللی بر کارآمدی تحریم ها در حقوق تجارت بین الملل  
الهه قربان کریمی  
بر مدار مصلحت عالیه کودک؛ تحلیل حضانت با رویکرد حقوقی، فقهی و روان‌شناختی تا شناخت خلاهای تقنینی  
مونا کمیلی  
بازپروری حقوق بشردار و محدودیت های آن در نظام کیفری ایران  
امین رضا بهار فلامرزی  
تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران  
محمد جوکار، ساسان وزین پور  
آسیب شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران  
محمدرضا رضائی  
اجرای مقررات ملی شدن اراضی در خصوص اراضی وقفی با تاکید بر رویه قضایی  
اسماعیل چوگانی  
سیاست کیفری بین‌المللی در قبال نسل کشی: تحلیل تطبیقی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی  
علی هادیان حقیقی، صابر سیاری زهان  
تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا  
مرتضی هاشم پور  
چالش ها و آسیب های حقوقی موسسات اعتباری غیرمجاز در نظام پولی ایران  
امین امینی نژاد  
تأثیر اختلال کارکرد قشر پیش‌پیشانی بر مسئولیت کیفری در جرم قتل عمدی  
حمید غیاثی، مهدی شعبان زاده  
هوش مصنوعی و حق بر محاکمه عادلانه در پرتو قانون اساسی ایران  
پوریا ژولیده  
تأثیر مخارج و پدھی دولت بر رشد بازار سهام در ایران  
راضیه جنتی نژاد  
جایگاه نهاد طرف معامله مرکزی در معاملات فرامرزی و تأثیر آن بر اصل نسبی بودن قراردادهای حقوق ایران، اروپا و ایالات متحده آمریکا  
عارفه قاسم زاده ده آبادی  
راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری  
احمد پدیدار



## Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law

## چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادهای در حقوق ایران

Farzin Yazdan Panah

Master of Science in Private Law, Tabnak University, Lamerd, Iran (Corresponding Author)

فرزین یزدان پناه  
کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)  
farzinyazdanpanah6461@gmail.com

Mohammadreza Nasiri

Master of Science in Private Law, Tabnak University, Lamerd, Iran

محمدرضا نصیری  
کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران  
nasirireza2710360@gmail.com

### Abstract

Contract interpretation, as one of the most fundamental and at the same time most complex issues in contract law, has always been of interest to legal scholars for a long time. The ultimate goal of contract interpretation is to discover the true will of the parties and achieve contractual justice; however, this process has faced numerous challenges and obstacles that can lead to incorrect interpretations, contradictory decisions, and ultimately disrupt the security of contractual relations. The present study examines and analyses the challenges and obstacles to contract interpretation in Iranian law with an analytical-descriptive approach. The findings of the study indicate that the challenges of contract interpretation in Iranian law can be classified into four main axes: ambiguity and incompleteness of contract words and lack of sufficient evidence; illogical results resulting from contract interpretation, including the problem of predicting contract breach, efficient breach, apparent representative, and the puzzle of obtaining illogical results; the impact of new technologies, especially block chain and smart contracts, on traditional methods of contract interpretation and enforcement; specific challenges of interpreting international contracts and conflict of laws. The results of this study show that despite the existence of general rules in the civil law, the Iranian legal system faces legal and procedural gaps in many cases and needs to amend and supplement the existing rules by taking inspiration from the interpretative approaches of comparative law and using legal analysis. The present study suggests that drafting accurate and comprehensive contracts, utilizing the services of expert legal consultants, developing coherent judicial procedures, and creating appropriate legal frameworks for new technologies are among the most important solutions to overcome the challenges in the process of interpreting contracts in Iranian law.

**Keywords:** Contract Interpretation, Contractual Ambiguity, Conflict of Laws.

### چکیده

تفسیر قراردادهای به‌مثابه یکی از بنیادی‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین مباحث در حقوق قراردادهای، همواره از دیرباز مورد توجه اندیشمندان حقوقی بوده است. هدف غایی تفسیر قرارداد، کشف اراده واقعی طرفین و تحقق عدالت قراردادی است؛ لیکن این فرایند با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه بوده که می‌توانند به تفسیرهای نادرست، صدور آرای متناقض و در نهایت اختلال در امنیت روابط قراردادی منجر شوند. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی به بررسی و تحلیل چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادهای در حقوق ایران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که چالش‌های تفسیر قرارداد در حقوق ایران را می‌توان در چهار محور اصلی طبقه‌بندی نمود: ابهام و ناقص بودن الفاظ قرارداد و عدم وجود قرائن و شواهد کافی؛ نتایج غیرمنطقی ناشی از تفسیر قراردادهای، از جمله مسئله پیش‌بینی نقض قرارداد، نقض کارآمد، نماینده ظاهری و معمای حصول نتایج غیرمنطقی؛ تأثیر فناوری‌های نوین، به‌ویژه بلاکچین و قراردادهای هوشمند، بر شیوه‌های سنتی تفسیر و اجرای قراردادهای؛ چالش‌های خاص تفسیر قراردادهای بین‌المللی و تعارض قوانین. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که نظام حقوقی ایران، به‌رغم وجود قواعد کلی در قانون مدنی، در موارد متعددی با خلأهای قانونی و رویه‌ای مواجه است و ضرورت دارد با الهام از رویکردهای تفسیری حقوق تطبیقی و بهره‌گیری از تحلیل حقوقی، به اصلاح و تکمیل قواعد موجود بپردازد. پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند که تدوین قراردادهای دقیق و جامع، بهره‌گیری از خدمات مشاوران حقوقی متخصص، توسعه رویه‌های قضایی منسجم، و ایجاد چهارچوب‌های قانونی مناسب برای فناوری‌های نوین، از مهم‌ترین راهکارهای غلبه بر چالش‌های موجود در فرایند تفسیر قراردادها در حقوق ایران به‌شمار می‌روند.

**واژگان کلیدی:** تفسیر قرارداد، ابهام قراردادی، تعارض قوانین.

ارجاع:

یزدان پناه، فرزین؛ نصیری، محمدرضا؛ (۱۴۰۵)، چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادها در حقوق ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۷.

**Copyrights:**

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA

**مقدمه**

تفسیر قراردادها، به‌عنوان فرایندی تفسیری-تحلیلی، همواره یکی از مباحث چالش‌برانگیز و پرمناقشه در حقوق قراردادها بوده است. قراردادها، به‌مثابه مهم‌ترین ابزار نظارتی در روابط حقوقی میان اشخاص، زمانی می‌توانند کارکرد واقعی خود را ایفاء کنند که مفاد آن‌ها به‌درستی تفسیر شده و اراده واقعی طرفین از ورای الفاظ و عبارات قراردادی کشف گردد. قانون مدنی ایران در ماده‌های متعددی، از جمله ماده‌های ۱۰، ۱۲۵، ۲۲۱، ۲۲۶ و ۲۲۸ به اصول و قواعدی درباره تفسیر قرارداد اشاره نموده، لیکن این قواعد در بسیاری از موارد کافی و جامع نبوده و مراجع قضایی و داوری را با ابهامات و دشواری‌های فراوانی مواجه ساخته است.

نخستین و شاید مهم‌ترین چالش در فرایند تفسیر قرارداد، کشف اراده واقعی طرفین است. در عمل، بسیاری از قراردادها دارای عبارات مبهم، الفاظ ناقص، شروط متناقض و تعارضات ساختاری هستند که فهم مقصود واقعی طرفین را دشوار می‌سازند. این ابهام می‌تواند ناشی از عدم دقت طرفین در تنظیم قرارداد، استفاده از اصطلاحات فنی و تخصصی بدون تعریف دقیق، یا تغییر شرایط و اوضاع و احوال پس از انعقاد قرارداد باشد. در چنین مواردی، مرجع تفسیرکننده باید با استفاده از اصول تفسیری و قرائن موجود، به اراده واقعی طرفین دست یابد.

چالش دوم، مسئله نتایج غیرمنطقی حاصل از تفسیر قرارداد است. تفسیر حقوقی، به‌رغم ظاهر منطقی و متدولوژیک خود، در مواردی می‌تواند به نتایجی منجر شود که نه تنها با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی سازگار نیست، بلکه می‌تواند به بی‌اعتمادی در روابط تجاری و اختلال در نظم اقتصادی جامعه بینجامد. به‌عنوان نمونه، در مسئله پیش‌بینی نقض قرارداد، ملزم ساختن یک طرف به پرداخت ثمن در شرایطی که طرف دیگر به‌طور صریح اعلام می‌دارد قادر به اجرای تعهد نیست، نتیجه‌ای غیرعقلانی و ناعادلانه است که می‌تواند به هرج‌ومرج در روابط تجاری منجر شود. همچنین در مسئله نقض کارآمد، نظریه‌ای که به متعهد اجازه می‌دهد با جبران خسارت طرف مقابل، قرارداد را نقض کند، با مبانی فقهی و حقوقی نظام حقوقی ایران سازگاری نداشته و می‌تواند به سوءاستفاده از حقوق طرف ضعیف‌تر بینجامد. مسئله نماینده‌ظاهری نیز نمونه دیگری از مواردی است که تفسیر صرفاً متنی و ظاهری می‌تواند به نتایج ناعادلانه منجر شود.

سومین چالش عمده، ورود فناوری‌های نوین به عرصه قراردادها است. قراردادهای هوشمند مبتنی بر فناوری بلاکچین، با ویژگی‌هایی نظیر خوداجرایی، غیرقابل تغییر بودن و حذف واسطه‌ها، تحولی بنیادین در شیوه انعقاد و اجرای قراردادها ایجاد نموده‌اند. این فناوری‌ها ضمن ارائه مزایای قابل توجه از جمله افزایش شفافیت، کاهش هزینه‌ها و تسریع فرایندها، چالش‌های حقوقی جدیدی را نیز مطرح ساخته‌اند. نظام حقوقی ایران در حال حاضر فاقد چهارچوب قانونی مشخص و جامعی برای قراردادهای هوشمند است و این خلأ می‌تواند در صورت بروز اختلاف، مراجع قضایی را با مشکلات جدی مواجه سازد.

چهارمین و آخرین چالش، مسئله تفسیر قراردادهای بین‌المللی و تعارض قوانین است. در قراردادهای تجاری بین‌المللی، تعیین قانون حاکم بر تفسیر قرارداد و شناسایی قواعد تفسیری مرتبط، از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله نظام کامن‌لا و نظام حقوق نوشته، رویکردهای متفاوتی نسبت به تفسیر قرارداد دارند. در نظام کامن‌لا، تمرکز بر معنای ساده الفاظ قرارداد و عدم توجه به ادله خارجی است، درحالی‌که در نظام حقوق نوشته، جست‌وجوی اراده

واقعی طرفین و توجه به تمامی ادله خارج از قرارداد در اولویت قرار دارد. این تفاوت رویکردها می‌تواند در داوری‌های بین‌المللی به اختلاف نظرهای اساسی و صدور آرای متناقض منجر شود. علاوه بر موارد فوق، تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها نشان می‌دهد که قواعد تفسیر قرارداد باید با اصول کارایی اقتصادی و افزایش ثروت هماهنگ باشند. هر قاعده‌ای که موجب تلف منابع یا تحمیل هزینه‌های اجتماعی اضافی گردد، باید مورد بازنگری قرار گیرد؛ بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که نظام حقوقی ایران چه خلأها و ناکارآمدی‌هایی در زمینه تفسیر قراردادها دارد؟ و چگونه می‌توان با بهره‌گیری از مبانی نظری، رویکردهای تطبیقی و ابزارهای نوین، به بهبود فرایند تفسیر قراردادها و تحقق عدالت قراردادی دست یافت؟

## ۱- چالش‌ها در کشف اراده طرفین در تفسیر قرارداد

کشف اراده طرفین قرارداد، فرایندی پیچیده و حساس است که با چالش‌های متعددی روبرو می‌شود. این چالش‌ها می‌توانند به تفسیر نادرست قرارداد و بروز اختلافات جدی بین طرفین منجر شوند.

### ۱-۱- ابهام و ناقص بودن الفاظ قرارداد

یکی از چالش‌های اصلی در کشف اراده طرفین، ابهام و ناقص بودن الفاظ قرارداد است. در مواردی که عبارات و شروط قرارداد به‌طور واضح و روشن اراده طرفین را بیان نکنند، تفسیر آن دشوار خواهد بود. به‌عنوان مثال، اگر در یک قرارداد تجاری، اصطلاحات فنی به‌طور دقیق تعریف نشده باشند، ممکن است هریک از طرفین برداشت متفاوتی از آن‌ها داشته باشد. این ابهام می‌تواند به بروز اختلافات در تفسیر و اجرای قرارداد منجر شود (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ۸۸). همچنین، در مواردی که عبارات متناقض یا متضاد در قرارداد وجود داشته باشد، تعیین اراده واقعی طرفین به‌ویژه دشوار خواهد بود. در این شرایط، نیاز به بررسی دقیق‌تری از متن قرارداد و استفاده از اصول تفسیر وجود دارد.

### ۱-۲- عدم وجود قرائن و شواهد کافی

چالش دیگر، عدم وجود قرائن و شواهد کافی برای کشف اراده طرفین است. در برخی موارد، ممکن

است هیچ‌گونه اطلاعاتی خارج از متن قرارداد وجود نداشته باشد که بتواند به روشن شدن اراده طرفین کمک کند. این موضوع به‌ویژه در قراردادهایی که به‌صورت غیررسمی یا شفاهی منعقد شده‌اند، بیشتر به چشم می‌خورد (صفایی، ۱۴۰۴، ۴۷). در چنین شرایطی، مراجع قضایی یا داوری ممکن است با مشکل مواجه شوند و نتوانند به‌طور دقیق اراده واقعی طرفین را کشف کنند. این عدم وجود شواهد می‌تواند به تفسیرهای نادرست و صدور آراء متناقض منجر شود.

### ۳-۱- راهکارها برای مقابله با چالش‌ها

برای مقابله با چالش‌های مذکور و بهبود فرایند کشف اراده طرفین، می‌توان از راهکارهای زیر استفاده کرد:

#### ۳-۱-۱- تدوین قراردادهای دقیق و جامع

یکی از مهم‌ترین راهکارها، تدوین قراردادهای دقیق و جامع است. قراردادهای باید به‌طور واضح و روشن، تمامی حقوق و تعهدات طرفین را مشخص کنند و از ابهام و ناقص بودن الفاظ جلوگیری کنند. این امر شامل تعریف دقیق اصطلاحات، تعیین شرایط و الزامات و بیان واضح انتظارات طرفین است. همچنین، استفاده از الگوهای قراردادی استاندارد و متداول در صنعت مربوطه می‌تواند به کاهش ابهام و افزایش شفافیت کمک کند. این الگوها معمولاً شامل شرایط و ضوابطی هستند که به‌طور گسترده در آن صنعت پذیرفته شده‌اند و می‌توانند به طرفین در تدوین قرارداد کمک کنند.

#### ۳-۱-۲- استفاده از خدمات مشاوران حقوقی متخصص

مشاوران حقوقی می‌توانند به طرفین قرارداد در تدوین قرارداد و تفسیر آن کمک کنند و از بروز اختلافات در آینده جلوگیری کنند. این مشاوران با تجربه و دانش خود در زمینه حقوق قراردادهای، می‌توانند به طرفین راهنمایی کنند که چگونه قراردادهای خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که ابهامات کمتری داشته باشد. همچنین، مشاوران حقوقی می‌توانند در مراحل مذاکره و انعقاد قرارداد، به طرفین کمک کنند تا از بروز سوء تفاهم‌ها و اختلافات جلوگیری شود. آن‌ها می‌توانند به طرفین آموزش دهند که چگونه می‌توانند به‌طور مؤثرتر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و انتظارات خود را به‌وضوح بیان کنند.

### ۳-۱-۳- استفاده از تکنیک‌های تفسیر قرارداد

در مواردی که ابهام یا تعارض در قرارداد وجود دارد، استفاده از تکنیک‌های تفسیر قرارداد می‌تواند به کشف اراده واقعی طرفین کمک کند. این تکنیک‌ها شامل تفسیر در پرتو کل قرارداد، توجه به عرف و عادت تجاری، و بررسی شرایط و اوضاع حاکم بر زمان انعقاد قرارداد است. همچنین، مراجع قضایی و داوری باید به‌طور فعال از اصول کلی حقوق قراردادها، مانند اصل حسن نیت و اصل لزوم، در تفسیر قراردادها استفاده کنند. این اصول می‌توانند به ایجاد توازن و انصاف در روابط قراردادی کمک کنند. کشف اراده طرفین قرارداد یک فرایند پیچیده و حساس است که نیازمند دقت و توجه به جزئیات است. با وجود چالش‌های متعدد، می‌توان با استفاده از راهکارهای مناسب و اصول حقوقی، به تفسیر صحیح و عادلانه قراردادها دست یافت.

### ۳-۱-۴- اهمیت آموزش و آگاهی طرفین

یکی از راهکارهای مؤثر در کاهش ابهام و تعارض در قراردادها، آموزش طرفین در زمینه حقوق قراردادها و فرایندهای قانونی است. با افزایش آگاهی طرفین از حقوق و تعهدات خود، احتمال بروز سوء تفاهم‌ها و اختلافات کاهش می‌یابد. این آموزش می‌تواند شامل کارگاه‌های آموزشی، سمینارها و مشاوره‌های حقوقی باشد. در دنیای امروز، استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند به تسهیل فرایند تدوین و تفسیر قراردادها کمک کند. نرم‌افزارهای مدیریت قرارداد و ابزارهای آنلاین می‌توانند به طرفین کمک کنند تا قراردادهای خود را به‌طور مؤثرتر و با دقت بیشتری تنظیم کنند. این ابزارها می‌توانند شامل قابلیت‌های بررسی خودکار متن، شناسایی ابهامات و ارائه الگوهای قراردادی باشند.

### ۲- تأثیر تفسیر بر روابط حقوقی

تحلیل اقتصادی در حقوق به دنبال بررسی و تحلیل موضوعات حقوقی از منظر اقتصادی است و به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند حقوق قراردادها، حقوق مسئولیت مدنی و روابط تجاری، این تحلیل اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این زمینه، می‌توان قائل به تفکیک شد و به این نکته توجه کرد که هدف

اصلی این روابط حقوقی، جلب سود و گریز از زیان مالی است. به همین دلیل، کارایی اقتصادی و افزایش ثروت باید با عدالت هماهنگ و منطبق باشد. در واقع، می‌توان کارایی را به‌عنوان مبنا و هدف قواعد حقوقی در این زمینه‌ها برگزید و دنبال کرد. در نتیجه، در موضوعاتی همچون قراردادها و مسئولیت مدنی، هر قاعده‌ای که موجب تلف منابع یا زیان مالی گردد، باید مطابق با کارایی اقتصادی اصلاح شود. به‌عبارت دیگر، قواعد حقوقی باید به گونه‌ای طراحی شوند که به حداکثر کردن کارایی اقتصادی و کاهش هزینه‌های اجتماعی کمک کنند (اکبرپور و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۰).

در مرحله تشکیل قرارداد، فرض بر این است که برای هر یک از طرفین قرارداد، ارزش تعهدات طرف دیگر بیشتر از هر گونه تعهد جایگزین دیگر است. از نظر اقتصادی، قراردادها با هدف ایجاد ثروت طراحی می‌شوند و به‌عنوان یک توافق سازمانی به حساب می‌آیند. در این راستا، قرارداد می‌تواند کارآمد یا ناکارآمد باشد. قرارداد ناکارآمد نه تنها به اهداف اقتصادی طرفین آسیب می‌زند، بلکه می‌تواند هزینه‌های اجتماعی منفی نیز به همراه داشته باشد. اقتصاد قرارداد از اصل آزادی قراردادی و تکمیلی بودن قواعد حقوق قراردادها به‌عنوان مبانی اقتصاد بازاری حمایت می‌کند. این اصل به طرفین اجازه می‌دهد تا با توجه به منافع و نیازهای خود، قراردادهایی را منعقد کنند که به حداکثر کردن کارایی اقتصادی کمک کند. در مرحله تشکیل و اعتبار قرارداد، تحلیل اقتصادی به بررسی اصل آزادی قراردادی، رفتار پیش قراردادی و قراردادهای رایگان می‌پردازد (بابایی، ۱۳۸۶، ۳۳).

به‌طور کلی، تحلیل اقتصادی در حقوق قراردادها به ما این امکان را می‌دهد که با درک بهتر از انگیزه‌ها و رفتارهای اقتصادی طرفین، به طراحی و اجرای قراردادهایی بپردازیم که نه تنها به نفع طرفین باشد، بلکه به بهبود کارایی اقتصادی و کاهش هزینه‌های اجتماعی نیز کمک کند. این رویکرد می‌تواند به ایجاد یک نظام حقوقی کارآمدتر و منصفانه‌تر منجر شود که در آن حقوق و منافع طرفین به‌خوبی تأمین گردد.

## ۲-۱- تفسیر صحیح قوانین

تفسیر صحیح قوانین در بسیاری از نظام‌های حقوقی به‌ویژه در زمینه‌هایی که خاستگاه اقتصادی آن‌ها کاملاً غلبه دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این موارد، تفسیر و اجرای قوانین به‌طور مؤثر و کارآمد جز از طریق تحلیل اقتصادی میسر نیست. تحلیل اقتصادی به ما این امکان را می‌دهد که با درک بهتر از انگیزه‌ها و رفتارهای اقتصادی طرفین، به تفسیر و اجرای قوانین پردازیم به گونه‌ای که نه تنها به حفظ حقوق و منافع طرفین کمک کند، بلکه به بهبود کارایی اقتصادی و کاهش هزینه‌های اجتماعی نیز منجر شود. در واقع، قوانین اقتصادی معمولاً با هدف ایجاد ثروت، افزایش کارایی و بهینه‌سازی منابع طراحی می‌شوند؛ بنابراین، برای تفسیر صحیح این قوانین، باید به اصول و مبانی اقتصادی توجه ویژه‌ای داشت. تحلیل اقتصادی می‌تواند به شفاف‌سازی مقاصد قانون‌گذار و درک بهتر از تأثیرات اقتصادی قوانین بر رفتارهای اجتماعی و اقتصادی کمک کند. به‌علاوه، در مواردی که قوانین به‌طور مستقیم با فعالیت‌های اقتصادی و تجاری مرتبط هستند، تفسیر آن‌ها باید به گونه‌ای انجام شود که به تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی کمک کند. این رویکرد می‌تواند به ایجاد یک نظام حقوقی کارآمدتر و منصفانه‌تر منجر شود که در آن حقوق و منافع طرفین به‌خوبی تأمین گردد.

در نهایت، می‌توان گفت که تفسیر صحیح قوانین با استفاده از تحلیل اقتصادی نه تنها به بهبود فرایندهای حقوقی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد شفافیت و اعتماد در روابط اقتصادی و تجاری نیز می‌انجامد. این امر می‌تواند به توسعه پایدار و رشد اقتصادی در جامعه کمک کند و به‌ویژه در شرایطی که قوانین اقتصادی در حال تغییر و تحول هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

## ۲-۲- تأثیر فناوری‌های نوین بر تفسیر و اجرای قراردادها

فناوری‌های نوین، به‌ویژه بلاکچین و قراردادهای هوشمند، تحولی عمیق در نحوه تفسیر و اجرای قراردادها ایجاد کرده‌اند. این فناوری‌ها نه تنها فرایندهای تجاری را ساده‌تر و سریع‌تر کرده‌اند، بلکه به افزایش شفافیت و امنیت در معاملات نیز کمک کرده‌اند. قراردادهای هوشمند به‌عنوان ابزارهای

خوداجرا، فرایندهای تجاری را به‌طور قابل توجهی ساده می‌کنند. در قراردادهای سنتی، مراحل مختلفی از جمله مذاکره، تنظیم قرارداد، تأیید و اجرای آن وجود دارد که ممکن است زمان‌بر و پیچیده باشد. اما با استفاده از قراردادهای هوشمند، تمامی این مراحل به‌صورت خودکار و در قالب کدهای دیجیتال انجام می‌شود. این خودکارسازی به کاهش زمان و هزینه‌های مرتبط با اجرای قراردادها کمک می‌کند و به طرفین این امکان را می‌دهد که به‌سرعت به توافقات خود عمل کنند.

### ۱-۲-۲- کاهش نیاز به واسطه‌ها و تسهیل فرایندها

قراردادهای هوشمند به‌عنوان ابزارهای خوداجرا، نیاز به واسطه‌ها مانند وکلا و نمایندگان را کاهش می‌دهند. این ویژگی باعث می‌شود که فرایندهای تجاری سریع‌تر و با هزینه‌های کمتری انجام شوند. با حذف واسطه‌ها، طرفین قرارداد می‌توانند به‌طور مستقیم با یکدیگر تعامل کنند و این امر به کاهش زمان و هزینه‌های مرتبط با اجرای قراردادها منجر می‌شود (رشوندبوکانی و ناصر، ۱۳۹۸، ۲۷۶).

### ۲-۲-۲- افزایش شفافیت و قابلیت حسابرسی

بلاکچین به‌عنوان زیرساخت قراردادهای هوشمند، یک دفترکل عمومی و غیرقابل تغییر را فراهم می‌کند که تمامی تراکنش‌ها و شرایط قراردادها در آن ثبت می‌شود. این ویژگی به طرفین این امکان را می‌دهد که هر زمان که بخواهند، به اطلاعات قرارداد دسترسی داشته باشند و وضعیت آن را بررسی کنند. این شفافیت به افزایش اعتماد بین طرفین کمک می‌کند و احتمال بروز اختلافات را کاهش می‌دهد. همچنین، این قابلیت حسابرسی آسان، به نهادهای نظارتی و قانونی این امکان را می‌دهد که به‌راحتی بر اجرای قراردادها نظارت کنند.

### ۳-۲-۲- امنیت بالا و جلوگیری از تقلب

قراردادهای هوشمند به دلیل ماهیت غیرقابل تغییر و امنیت بالای بلاکچین، از داده‌ها در برابر هک و دستکاری محافظت می‌کنند. این ویژگی باعث می‌شود که تقلب و دستکاری در قراردادها به حداقل برسد. همچنین، اطلاعات محرمانه طرفین به‌طور ایمن در بلاکچین ذخیره می‌شود و تنها افرادی که

مجاز هستند، به آن دسترسی دارند. قراردادهای هوشمند به دلیل ماهیت بلاکچین، از امنیت بالایی برخوردارند. اطلاعات ثبت شده در بلاکچین غیرقابل تغییر و محافظت شده در برابر هک و دستکاری هستند. این ویژگی باعث می شود که تقلب و دستکاری در قراردادها به حداقل برسد. همچنین، از آن جا که داده ها به صورت رمزگذاری شده ذخیره می شوند، اطلاعات محرمانه طرفین نیز به خوبی محافظت می شود. این امنیت بالا به طرفین این اطمینان را می دهد که اطلاعات و دارایی های آن ها در معرض خطر قرار نخواهد گرفت.

#### ۲-۲-۴- خودکارسازی فرایندها و افزایش بهره‌وری

قراردادهای هوشمند می توانند وظایف تکراری و زمان بر را به صورت خودکار انجام دهند. این خودکارسازی باعث می شود که فرایندهای تجاری با سرعت بیشتری انجام شوند و خطاهای انسانی کاهش یابند. به عنوان مثال، در معاملات ملکی، انتقال مالکیت و خدمات امانی می تواند به صورت خودکار انجام شود، بدون این که نیازی به مداخله انسانی باشد. در زنجیره تأمین، پرداخت ها به محض رسیدن کالا به مقصد به صورت خودکار انجام می شود که این امر به افزایش کارایی و بهره‌وری در عملیات تجاری کمک می کند (رشوندبوکانی و ناصر، ۲۸۰).

#### ۲-۲-۵- چالش‌های حقوقی و نیاز به چهارچوب‌های قانونی

با وجود مزایای قابل توجه قراردادهای هوشمند، هنوز هم چالش‌هایی در زمینه مسائل قانونی وجود دارد. در بسیاری از کشورها، چهارچوب‌های قانونی مشخصی برای قراردادهای هوشمند وجود ندارد و این موضوع می تواند در صورت بروز اختلافات، مشکلاتی در تفسیر و اجرای قراردادها به وجود بیاورد؛ بنابراین، نیاز به توسعه قوانین و مقررات جدید برای سازگاری با این فناوری‌ها احساس می شود.

#### ۲-۲-۶- پیش‌بینی آینده و توسعه فناوری

انتظار می رود که استفاده از قراردادهای هوشمند در صنایع مختلف به طور گسترده‌ای افزایش یابد. همچنین، ادغام این قراردادها با فناوری‌های نوین مانند اینترنت اشیا و هوش مصنوعی می تواند به

بهبود امنیت و خودکارسازی بیشتر کمک کند. با پیشرفت فناوری‌های امنیتی، مانند اثبات دانش صفر، حریم خصوصی اطلاعات نیز بهبود خواهد یافت. فناوری‌های نوین، به‌ویژه بلاکچین و قراردادهای هوشمند، تأثیرات عمیقی بر تفسیر و اجرای قراردادها دارند. این فناوری‌ها با کاهش نیاز به واسطه‌ها، افزایش شفافیت و امنیت و خودکارسازی فرایندها، به بهبود کارایی و کاهش هزینه‌ها در معاملات تجاری کمک می‌کنند. با این حال، برای بهره‌برداری کامل از این مزایا، نیاز به توسعه چهارچوب‌های قانونی و مقرراتی مناسب وجود دارد. در نهایت، قراردادهای هوشمند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای نوآوری و بهبود کارایی عملیاتی در دنیای تجارت مدرن به شمار می‌روند.

### ۳- نتایج غیرمنطقی حاصل از تفسیر قرارداد

تفسیر حقوقی به‌عنوان یک فرایند پیچیده و مهم در علم حقوق، همواره مورد توجه متفکران و حقوقدانان بوده است. این فرایند به‌دنبال روشن‌سازی معانی و مفاهیم قواعد حقوقی و تطبیق آن‌ها با واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی است. با این حال، پرسش‌های مهمی در مورد منطق و نتایج غیرمنطقی تفسیر حقوقی وجود دارد که نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد. تفسیر حقوقی به‌عنوان یک زیرمجموعه از تفسیر کلی، به‌دنبال فهم و تبیین قواعد حقوقی است. این فرایند می‌تواند شامل روش‌های مختلفی باشد. پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا تفسیر حقوقی می‌تواند به نتایج غیرمنطقی منجر شود، حتی اگر اصول و روش‌های تفسیر به‌درستی رعایت شوند؟ پاسخ به این پرسش مثبت است. به‌عنوان مثال، ممکن است یک قاعده حقوقی به‌طور منطقی تفسیر شود، اما نتیجه آن با واقعیت‌های اجتماعی یا اخلاقی در تضاد باشد. این تضاد می‌تواند ناشی از محدودیت‌های روش‌های تفسیر، عدم توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، یا حتی نقص در داده‌های اولیه باشد.

روش‌های تفسیری موجود، هرچند که به‌ظاهر منطقی و دقیق به نظر می‌رسند، ممکن است در عمل نقص‌هایی داشته باشند که به سادگی قابل مشاهده نیستند. به‌عنوان مثال، تفسیر لغوی ممکن است به‌طور دقیق به متن قانون پایبند باشد، اما از درک هدف واقعی قانون‌گذار غافل بماند. این امر می‌تواند

به نتایج غیرمنطقی منجر شود که با روح قانون در تضاد است. تفسیر حقوقی باید به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی توجه کند. قواعد حقوقی در یک بافت خاص اجتماعی و تاریخی شکل می‌گیرند و تفسیر آن‌ها باید با این زمینه‌ها همخوانی داشته باشد. در غیر این صورت، ممکن است تفسیر به نتایج غیرمنطقی منجر شود که نه تنها با واقعیت‌های اجتماعی سازگار نیست، بلکه می‌تواند به بی‌اعتمادی به نظام حقوقی نیز منجر شود.

در نهایت، تفسیر حقوقی یک فرایند پیچیده و چندوجهی است که نیاز به دقت و توجه به جزئیات دارد. هرچند که روش‌های تفسیری موجود می‌توانند به‌عنوان ابزارهایی مفید در فهم قواعد حقوقی عمل کنند، اما باید به این نکته توجه داشت که این روش‌ها ممکن است به نتایج غیرمنطقی منجر شوند؛ بنابراین، حقوقدانان و تفسیرکنندگان باید همواره به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی توجه کنند و از انعطاف‌پذیری در تفسیر بهره‌برداری کنند تا به نتایج منطقی و معقول دست یابند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت تفسیر حقوقی در ایجاد عدالت و انصاف در نظام‌های حقوقی است و نیاز به بازنگری و بهبود مستمر در روش‌های تفسیر را به‌خوبی نمایان می‌سازد.

### ۳-۱- پیش‌بینی نقض قرارداد

موضوع پیش‌بینی نقض قرارداد و تفسیر حقوقی آن، یکی از چالش‌های مهم در حقوق قراردادها است که می‌تواند به نتایج غیرمنطقی منجر شود. مثلاً تاجر ایرانی تمامی ده هزار تن گندم موجود در سیلوهای متعلق به تاجر روس را خریداری نموده و موعد تحویل کالا شش ماه آینده است اما یک هفته پس از انعقاد قرارداد سیلوی تاجر روس دچار حریق شده و تمامی ده هزار تن گندم در آتش می‌سوزد. تاجر ایرانی پس از اطلاع از موضوع به منظور حصول اطمینان از این امر که آیا تاجر روس در موعد تعهد قادر به اجرای قرارداد هست یا خیر؟ از وی تقاضا می‌نماید یا تضمینی بر اجرای عین تعهد ارائه نماید یا نسبت به استرداد ثمن اقدام کند. تاجر روس نیز در پاسخ اعلام می‌دارد نه تنها قطعاً قصد و توان اجرای عین تعهد را ندارد بلکه به موجب قرارداد وی تکلیفی بر استرداد ثمن نیز ندارد و

علاوه بر این به تاجر ایرانی گوشزد می‌نماید که باید مطابق قرارداد قسط بعدی ثمن را نیز در اسرع وقت به وی پرداخت کند. در مثال ارائه‌شده، تاجر ایرانی و تاجر روس در شرایطی قرار دارند که تاجر روس به دلیل وقوع حریق در سیلوهای خود، قادر به اجرای تعهدات قراردادی نیست. باین حال، تاجر روس به استناد بندهای قرارداد و قوانین حاکم، ادعا می‌کند که هنوز تعهدی بر ذمه‌اش بار نشده و بنابراین، تاجر ایرانی باید اقساط بعدی ثمن را پرداخت کند (کاظمی و ربیعی، ۱۳۹۱، ۱۲۵).

در این وضعیت، تاجر روس با استناد به بندهای قرارداد و قوانین مدنی، به‌طور منطقی استدلال می‌کند که هنوز موعد تعهد فرا نرسیده و بنابراین، نمی‌توان او را به اجرای تعهد ملزم کرد. این استدلال به‌ظاهر منطقی است، اما در واقعیت، این وضعیت می‌تواند به نتایج غیرمنطقی منجر شود. به‌عبارت دیگر، اگر تاجر روس به‌طور صریح اعلام کند که قصد و توان اجرای تعهد را ندارد، آیا منطقی است که تاجر ایرانی همچنان ملزم به پرداخت اقساط باشد؟ تفسیر حقوقی در این مورد ممکن است به نتایج غیرمنطقی منجر شود. اگرچه تاجر روس به‌درستی به بندهای قرارداد و ماده ۲۲۶ قانون مدنی استناد می‌کند (صفایی و همکاران، ۱۴۰۴، ۳۵۲)، اما این تفسیر نمی‌تواند واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی را در نظر بگیرد. در واقع، اگر تاجر روس به‌طور صریح اعلام کند که نمی‌تواند به تعهد خود عمل کند، این موضوع باید به‌عنوان یک علامت هشدار در نظر گرفته شود و به تاجر ایرانی این حق داده شود که قرارداد را فسخ کند (رفیعی و حسینی، ۱۳۹۱، ۶۱).

پیش‌بینی نقض قرارداد به‌عنوان یک اصل مهم در حقوق قراردادها، به طرفین این امکان را می‌دهد که در صورت عدم توانایی یکی از طرفین در اجرای تعهدات، اقدامات لازم را انجام دهند. در این مورد، اگر تاجر روس به‌طور صریح اعلام کند که نمی‌تواند به تعهد خود عمل کند، تاجر ایرانی باید حق فسخ قرارداد را داشته باشد. این حق به او این امکان را می‌دهد که از ضررهای احتمالی جلوگیری کند و به‌جای پرداخت اقساط، به دنبال راه‌حل‌های دیگر باشد (رحیمی، ۱۳۸۴، ۴۵). تفسیر حقوقی که به نتایج غیرمنطقی منجر می‌شود، می‌تواند تأثیرات منفی بر روابط تجاری و اقتصادی داشته باشد. اگر طرفین قرارداد احساس کنند که حقوق آن‌ها به‌درستی رعایت نمی‌شود، ممکن است به بی‌اعتمادی و

کاهش همکاری‌های تجاری منجر شود. این موضوع می‌تواند به‌ویژه در بازارهای بین‌المللی که اعتماد و اعتبار از اهمیت بالایی برخوردار است، تأثیرات منفی داشته باشد (هانولد، ۱۳۹۴، ۴۸۲).

در نهایت، تفسیر حقوقی باید به‌گونه‌ای باشد که نه تنها به اصول و قواعد حقوقی پایبند باشد، بلکه واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز در نظر بگیرد. در مثال ارائه‌شده، ملزم کردن تاجر ایرانی به پرداخت اقساط در شرایطی که تاجر روس به‌طور صریح اعلام کرده که نمی‌تواند به تعهد خود عمل کند، منطقی به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین، نیاز به بازنگری در روش‌های تفسیر و توجه به واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی احساس می‌شود تا از بروز نتایج غیرمنطقی جلوگیری شود و عدالت در روابط تجاری برقرار گردد.

### ۳-۲- نقض کارآمد

نظریه نقض کارآمد به‌عنوان یک مفهوم اقتصادی در حقوق قراردادها، به این ایده اشاره دارد که در برخی شرایط، متعهد می‌تواند تصمیم به نقض قرارداد بگیرد اگر هزینه‌های ناشی از نقض قرارداد و جبران خسارت طرف مقابل کمتر از هزینه اجرای قرارداد باشد. این نظریه به‌ویژه در مواردی که متعهد می‌تواند با نقض قرارداد به نفع خود عمل کند و درعین حال خسارت طرف مقابل را جبران کند، اهمیت پیدا می‌کند (Katz, 2015, 1).

در مثال ارائه‌شده، فرض بر این است که تاجر روس به دلیل پیشنهاد جذاب تاجر چینی، تمایل دارد قرارداد خود با تاجر ایرانی را فسخ کند. در این حالت، دو سناریو ممکن است پیش بیاید. سناریو اول: تاجر ایرانی به تمام خواسته‌های خود می‌رسد، تاجر روس به بخشی از خواسته‌های خود می‌رسد و تاجر چینی هیچ‌یک از خواسته‌های خود را برآورده نمی‌کند. سناریو دوم: هر سه تاجر به تمام خواسته‌های خود می‌رسند. در این جا، پرسش اصلی این است که آیا تاجر روس حق دارد قرارداد را فسخ کند تا به نفع خود عمل کند؟ حتی اگر این کار به ضرر تاجر ایرانی باشد. از منظر اخلاقی و حقوقی، این عمل به‌طور کلی غیرقابل قبول است (صفایی و الفت، ۱۳۸۹، ۷۹). تاجر ایرانی در قرارداد

اول صاحب حقی شده است و نقض قرارداد به منظور کسب منفعت بیشتر برای تاجر روس، به طور مستقیم به حقوق تاجر ایرانی آسیب می‌زند.

در نظام حقوقی ایران، با توجه به عدم پذیرش نظریه نقض کارآمد، پاسخ به این پرسش روشن است. قانون ایران به طور سنتی بر اجرای عین تعهد تأکید دارد و به تاجر روس اجازه نمی‌دهد که به صرف منافع شخصی خود، قرارداد را فسخ کند. در واقع، اگر تاجر روس حق فسخ قرارداد را داشته باشد، این به معنای آن است که هر سه تاجر به تمام خواسته‌های خود می‌رسند که این وضعیت با اصول حقوقی و اخلاقی سازگار نیست (انصاری، ۱۳۹۰، ۵۶)؛ بنابراین، در تفسیر حقوقی و اخلاقی، اعطای حق فسخ به تاجر روس نه تنها به تاجر ایرانی آسیب می‌زند، بلکه به طور کلی به اصول عدالت و انصاف در روابط تجاری لطمه می‌زند. در نتیجه، تفسیر سنتی حقوق ایران در این مورد به طور واضح بر اجرای عین تعهد تأکید دارد و اجازه نمی‌دهد که منافع شخصی یک طرف، حقوق طرف دیگر را نادیده بگیرد. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت حفظ تعادل و انصاف در روابط قراردادی است و تأکید می‌کند که حقوق باید به گونه‌ای تنظیم شود که از منافع همه طرفین حمایت کند.

### ۳-۳- نماینده ظاهری

نماینده ظاهری یکی از چالش‌های مهم در تفسیر حقوقی، به ویژه در زمینه نمایندگی و اختیارات نمایندگان در قراردادها می‌باشد. این موضوع به ویژه در مواردی که نماینده‌ای به طور ظاهری و بدون تصریح اختیارات خود عمل می‌کند، می‌تواند به نتایج غیرمنطقی منجر شود. نمایندگی ظاهری به وضعیتی اشاره دارد که در آن شخص ثالث به طور معقول به این نتیجه می‌رسد که نماینده‌ای به نمایندگی از یک اصیل<sup>۱</sup> عمل می‌کند، حتی اگر رابطه نمایندگی به طور رسمی و قانونی برقرار نشده باشد. در این حالت، اگر رفتار یا گفتار اصیل<sup>۲</sup> باعث شود که شخص ثالث به این نتیجه برسد، اصیل نمی‌تواند به عدم وجود رابطه نمایندگی استناد کند (مافی و کدیور، ۱۳۹۳، ۳۱).

۱- مانند شرکت

۲- شرکت

در مثال ارائه شده، نماینده شرکت الف در قرارداد اول به عنوان نماینده تحویل کالا و دریافت چک ثمن معرفی شده است. اما در قرارداد دوم، این موضوع به طور صریح ذکر نشده است. باین حال، خریدار به طور معقول فرض می کند که نماینده همچنان دارای اختیارات مشابه است و چک را به او تحویل می دهد. در این جا، چالش اصلی این است که آیا شرکت الف می تواند به عدم وجود اختیارات نماینده در قرارداد دوم استناد کند یا خیر؟ تفسیر سنتی حقوق ایران در این مورد به گونه ای است که عدم تصریح اختیارات نماینده در قرارداد دوم، به طور خودکار حق دریافت ثمن را از بین می برد. این تفسیر می تواند به نتایج غیر منطقی منجر شود، به ویژه اگر در نظر بگیریم که خریدار به طور معقول و منطقی به این نتیجه رسیده که نماینده دارای اختیارات لازم است. این وضعیت نشان دهنده نقص در تفسیر حقوقی است که می تواند به بی اعتمادی در روابط تجاری منجر شود (Kelly, 2002, 289).

روش های تفسیر حقوقی باید بر پایه اصول منطقی و عقلانی بنا شده باشند. اگر تفسیر یک قرارداد به نتایج غیر منطقی منجر شود، این نشان دهنده نقص در روش های تفسیر و عدم توجه به واقعیت های اجتماعی و اقتصادی است. در این مورد خاص، باید به این نکته توجه کرد که تفسیر باید به گونه ای باشد که حقوق و منافع طرفین را به طور عادلانه تأمین کند. موضوع نمایندگی و اختیارات نمایندگان در قراردادها یکی از چالش های مهم در تفسیر حقوقی است. تفسیرهای سنتی که به طور خودکار به عدم اعتبار اختیارات نماینده منجر می شوند، ممکن است به نتایج غیر منطقی و ناعادلانه منجر شوند؛ بنابراین، نیاز به بازنگری در روش های تفسیر و توجه به واقعیت های اجتماعی و اقتصادی احساس می شود. این موضوع نشان دهنده اهمیت حفظ تعادل و انصاف در روابط قراردادی است و تأکید می کند که حقوق باید به گونه ای تنظیم شود که از منافع همه طرفین حمایت کند. این چالش ها و معماها در تفسیر حقوقی نشان دهنده نیاز به بهبود و توسعه مستمر در نظام های حقوقی و تفسیر قراردادها است تا از بروز نتایج غیر منطقی جلوگیری شود و عدالت در روابط تجاری برقرار گردد.

### ۳-۴- معمای حصول نتایج غیرمنطقی

بررسی چالش‌های موجود در تفسیر حقوقی و نتایج غیرمنطقی ناشی از آن، این موضوع به‌ویژه در زمینه قراردادها و روابط تجاری اهمیت دارد و نشان‌دهنده پیچیدگی‌های موجود در زبان، مفاهیم و شرایط اجتماعی و اقتصادی است. پذیرش این نکته که نظام‌های حقوقی بر مبنای اصول منطقی و عقلانی کار می‌کنند، با چالش‌هایی مواجه است. گاهی اوقات، تفسیر قراردادها و قواعد حقوقی به نتایج غیرمنطقی منجر می‌شود. این نتایج می‌توانند ناشی از نقص در زبان، تغییر در مفاهیم، پیش‌فرض‌های نادرست، ظهور افراد جدید و سیال بودن برخی مفاهیم باشند.

زبان به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتباط، ذاتاً ناقص است و ممکن است کلمات در موارد مختلف معانی متفاوتی داشته باشند. این ابهام می‌تواند منجر به تفسیرهای مختلف و در نتیجه نتایج غیرمنطقی شود. به‌ویژه در قراردادها، جایی که زبان به‌عنوان منبع حقوق و تعهدات قانونی به کار می‌رود، نیاز به تفسیر دقیق و قاطع وجود دارد (Karton, 2013, 195). مفاهیم حقوقی ممکن است در گذر زمان تغییر کنند. به‌عنوان مثال، تعاریف مربوط به تجار و شرایط تجاری ممکن است با تغییرات اجتماعی و اقتصادی دچار تحول شوند. این تغییرات می‌توانند به نتایج غیرمنطقی منجر شوند، به‌ویژه اگر قوانین و مقررات به‌روز نشوند. گاهی اوقات، اصول و روش‌های تفسیر بر مبنای پیش‌فرض‌هایی بنا شده‌اند که به‌طور صریح بیان نشده‌اند. تغییر این پیش‌فرض‌ها می‌تواند منجر به نتایج غیرمنطقی شود. به‌عبارت دیگر، متنی که در یک بستر خاص معنایی دارد، ممکن است در بستر دیگر کارکرد متفاوتی داشته باشد.

با گذر زمان، ممکن است افراد و نهادهای جدیدی ظهور کنند که قواعد موجود دیگر شامل حال آن‌ها نمی‌شود. این موضوع می‌تواند به نتایج غیرمنطقی منجر شود، زیرا تعاریف قانونی و قراردادی ممکن است نتوانند تمام امور قابل وقوع آینده را پیش‌بینی کنند. برخی از مفاهیم ذاتاً سیال هستند و نمی‌توان حدود و ثغور مشخصی برای آن‌ها تعیین کرد. به‌عنوان مثال، مفهوم جبران خسارت در بسترهای مختلف ممکن است معانی متفاوتی داشته باشد. این سیال بودن مفاهیم می‌تواند به تفسیرهای مختلف و نتایج غیرمنطقی منجر شود.

#### ۴- چالش‌های تفسیر قراردادهای بین‌المللی

##### ۴-۱- تعارض قوانین و انتخاب قانون حاکم

تفسیر قراردادهای بین‌المللی یکی از جنبه‌های کلیدی در حقوق بین‌الملل خصوصی است و یکی از نخستین مسائل در این زمینه، تعیین قانونی است که بر تفسیر قرارداد حاکم است. این موضوع به‌عنوان یک مسئله تعارض قوانین شناخته می‌شود و اهمیت آن به‌ویژه در روابط تجاری بین‌المللی که طرفین ممکن است از کشورهای مختلف با نظام‌های حقوقی متفاوت باشند، دوچندان می‌شود. طبق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، تفسیر قرارداد معمولاً تابع قانونی است که قرارداد تحت آن قرار دارد. این قانون می‌تواند قانونی باشد که طرفین برای حکومت بر قرارداد انتخاب کرده‌اند. در واقع، طرفین قرارداد معمولاً این حق را دارند که قانونی را که بر قرارداد حاکم است، انتخاب کنند و این انتخاب می‌تواند به‌طور مستقیم بر نحوه تفسیر و اجرای قرارداد تأثیر بگذارد (Cordero Moss, 2014, 127).

انتخاب قانون حاکم بر قرارداد به طرفین این امکان را می‌دهد که از قوانین و مقرراتی استفاده کنند که برای آن‌ها آشنا و قابل قبول است و می‌تواند به کاهش عدم قطعیت و اختلافات در آینده کمک کند. با این حال، در مواردی که طرفین به‌طور صریح قانونی را انتخاب نکرده‌اند، قانون حاکم بر قرارداد معمولاً بر اساس اصول تعارض قوانین تعیین می‌شود. این اصول ممکن است شامل عواملی مانند محل انعقاد قرارداد، محل اجرای قرارداد و ملیت طرفین باشد. اهمیت تعیین قانون حاکم بر تفسیر قرارداد به قدری است که در زمان بروز اختلاف و نیاز به تفسیر عبارات و شروط قرارداد، دیوان داوری یا دادگاه باید در کنار سایر منابع، اصول و قواعد تفسیر را در قانون حاکم بر قرارداد مورد بررسی قرار دهد. این موضوع به‌ویژه در داوری‌های بین‌المللی اهمیت دارد، زیرا دیوان داوری باید به‌طور دقیق و با توجه به قانون حاکم، به تفسیر قرارداد بپردازد و از بروز نتایج غیرمنطقی جلوگیری کند (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ۷۶).

تعیین قانون حاکم بر تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی نه تنها به روشن شدن حقوق و تعهدات طرفین کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به بهبود روابط تجاری و کاهش اختلافات در سطح بین‌المللی

منجر شود. این فرایند نیازمند دقت و توجه به جزئیات است تا از حقوق همه طرفین به‌طور عادلانه و منطقی حمایت شود.

#### ۴-۲- محدودیت‌های انتخاب قانون حاکم

محدودیت‌های انتخاب قانون حاکم معمولاً به‌دلیل وجود قواعد عمومی و الزامات قانونی در برخی کشورها ایجاد می‌شود. به‌عنوان مثال، برخی از قوانین ملی ممکن است به‌طور خاص بر قراردادهای تجاری بین‌المللی حاکم باشند و در این موارد، انتخاب قانون توسط طرفین نمی‌تواند به‌طور کامل بر این الزامات غلبه کند. این الزامات ممکن است شامل قواعد مربوط به نظم عمومی یا قواعد الزامی باشند که به‌منظور حمایت از طرفین ضعیف‌تر در قراردادهای وضع شده‌اند (Schwenzer, 2016, 181). علاوه بر این، در مواردی که قرارداد شامل ابهام یا سکوت است، قانون حاکم می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای تفسیر و روشن‌سازی حقوق و تعهدات طرفین عمل کند. این امر به‌ویژه در قراردادهای پیچیده و بین‌المللی که ممکن است شامل جنبه‌های مختلف حقوقی و فرهنگی باشد، اهمیت دارد. در این شرایط، قانون حاکم می‌تواند به‌عنوان یک راهنما برای تعیین نیت واقعی طرفین و تفسیر صحیح قرارداد عمل کند.

در نهایت، درحالی‌که طرفین قرارداد معمولاً حق انتخاب قانون حاکم را دارند، در مواردی که قرارداد دارای اجمال، ابهام یا سکوت است، قانون حاکم می‌تواند به‌عنوان یک مکمل ضروری برای تفسیر و اجرای قرارداد عمل کند و به حل و فصل اختلافات کمک کند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت توجه به جزئیات و دقت در تنظیم قراردادهای و انتخاب قانون حاکم است تا از بروز مشکلات و اختلافات در آینده جلوگیری شود.

#### نتیجه

نتایج حاصل از بررسی و تحلیل چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادهای در حقوق ایران نشان می‌دهد که این حوزه از حقوق قراردادهای با مسائل و مشکلات متعددی مواجه است که نیازمند توجه جدی

قانون‌گذار، صاحب‌نظران حقوقی و مراجع قضایی می‌باشد. درباره چالش‌های کشف اراده طرفین، نتایج پژوهش حاکی از آن است که ابهام و ناقص بودن الفاظ قرارداد و عدم وجود قرائن و شواهد کافی، دو مانع اساسی در فرایند تفسیر قرارداد محسوب می‌شوند. این چالش‌ها نه تنها در قراردادهای عادی، بلکه در قراردادهای تجاری پیچیده نیز به شدت بروز می‌یابند. بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد که مراجع قضایی در مواجهه با این گونه ابهامات، رویکرد واحد و منسجمی نداشته و این امر به صدور آرای متناقض و عدم پیش‌بینی‌پذیری در رویه قضایی منجر شده است.

تحلیل مسئله نتایج غیرمنطقی ناشی از تفسیر قراردادها نشان داد که روش‌های تفسیری موجود در حقوق ایران، به‌رغم پابندی ظاهری به اصول فقهی و قانونی، در موارد متعددی از جمله پیش‌بینی نقض قرارداد، نقض کارآمد و نماینده ظاهری قادر به ارائه راه‌حل‌های عادلانه و منطقی نیستند. در مورد پیش‌بینی نقض قرارداد، نتایج پژوهش نشان می‌دهند که تفسیر صرفاً متنی و لفظی از قرارداد، بدون توجه به اعلام صریح عدم توانایی اجرای تعهد توسط یک طرف، می‌تواند به ملزم ساختن طرف دیگر به ادامه پرداخت‌ها در شرایطی که تعهدی قابل اجرا وجود ندارد، منجر شود. این وضعیت نه تنها ناعادلانه است، بلکه با اصل حسن نیت و انصاف در روابط قراردادی نیز مغایرت دارد.

درباره نقض کارآمد، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نظام حقوقی ایران، برخلاف برخی نظام‌های حقوقی رایج در کامن‌لا، نظریه نقض کارآمد را نپذیرفته و بر اصل اجرای عین تعهد تأکید دارد. این رویکرد با مبانی فقهی و سنت‌های حقوقی ایران سازگارتر است و از سوءاستفاده طرف قوی‌تر از موقعیت خود جلوگیری می‌نماید. باین حال، این رویکرد نباید مانع از آن شود که در موارد استثنایی و با رعایت شرایط خاص، امکان فسخ قرارداد برای متعهد فراهم شود.

در زمینه فناوری‌های نوین و قراردادهای هوشمند، نتایج پژوهش نشان می‌دهند که این فناوری‌ها ضمن ارائه مزایای قابل توجه از جمله کاهش هزینه‌ها، افزایش شفافیت و تسریع فرایندها، چالش‌های حقوقی جدیدی را نیز مطرح ساخته‌اند. غیرقابل تغییر بودن کدهای قراردادهای هوشمند، مسئله مسئولیت در صورت بروز خطا و عدم وجود چهارچوب قانونی مشخص، از مهم‌ترین این چالش‌ها

هستند. نظام حقوقی ایران نیازمند تدوین قوانین و مقررات جدید برای سازگاری با این فناوری‌ها و تعیین قواعد مشخص درباره اعتبار، اجرا و تفسیر قراردادهای هوشمند است. تحلیل اقتصادی حقوق قراردادهای نشان می‌دهد که قواعد تفسیر قرارداد باید با اصول کارایی اقتصادی هماهنگ باشند. هر قاعده‌ای که موجب تلف منابع، افزایش هزینه‌های معاملاتی یا تحمیل هزینه‌های اجتماعی اضافی گردد، باید مورد بازنگری قرار گیرد. در عین حال، کارایی اقتصادی نباید به بهای عدالت و انصاف در روابط قراردادی حاصل شود و نظام حقوقی باید تعادل مناسبی میان این دو هدف ایجاد نماید.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

### فارسی

- اکبرپور، مجید؛ محبی، ابوالفضل؛ نظری، خدیجه، ۱۳۹۰، بررسی تعهدات طبیعی در حقوق ایران با رویکرد حقوقی و تحلیل اقتصادی، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۷۶.
- انصاری، مهدی، ۱۳۹۰، نظریه نقض کارآمد قرارداد از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق، **فصلنامه حقوق**، شماره ۱.
- بابایی، ایرج، ۱۳۸۶، مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق، **فصلنامه حقوق و سیاست**، شماره ۲۳.
- رحیمی، حبیب اله، ۱۳۸۴، پیش‌بینی نقض قرارداد، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۱۵.
- رشوندبوکانی، مهدی و ناصر، مهدی، ۱۳۹۸، قصد متعاملین در قراردادهای هوشمند شرایط اعتبار و شیوه احراز آن، **فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۴۹.
- رفیعی، محمدتقی و حسینی، منصوره، ۱۳۹۱، بررسی تطبیقی ضمانت‌های اجرایی نقض قابل پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران، **فصلنامه**

**حقوق تطبیقی، شماره ۲.**

- صفایی سیدحسین، ۱۴۰۴، **حقوق بیع بین‌المللی**، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، سیدحسین، ۱۴۰۴، **قواعد عمومی قراردادها**، چاپ چهل و سوم، تهران، انتشارات میزان.
- صفایی، سیدحسین و الفت، نعمت اله، ۱۳۸۹، اجرای اجباری عین تعهد تقدم آن بر حق فسخ، **فصلنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۴، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مافی، همایون و کدیور، حسام، ۱۳۹۳، بررسی اختیار ظاهری نماینده در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، **فصلنامه حقوق خصوصی**، شماره ۲۴.
- کاظمی، محمود و ربیعی، مرضیه، ۱۳۹۱، نقض احتمالی قرارداد در حقوق ایران با نگاهی به کنوانسیون بیع بی‌الطلی کالا (۱۹۸۰) و نظام‌های حقوقی خارجی، **دوفصلنامه دانش حقوق مدنی**، شماره ۱.
- موسوی، سیدحامد، ۱۳۸۸، **تعارض قوانین و نقش اراده در قانو حاکم بر قرارداد**، چاپ اول، تهران، انتشارات پیشرو مبتکران.
- هانولد، جان، ۱۳۹۴، **حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد**، ترجمه همایون مافی و همکاران، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

**لاتین**

- Cordero Moss, Giuditta, 2014, *International Commercial Contracts: Applicable Sources and Enforceability*, Cambridge University Press, 1st Ed.
- Karton, Joshua, 2013, *The Culture of International Arbitration and the Evolution of Contract Law*, Oxford University Press, 1st Ed.
- Katz, Avery, 2015, *Virtue Ethics and Efficient Breach*, Columbia Law School, Preliminary Draft, March 19.
- Kelly, David, 2002, *Ann Holmes, Ruth Hayward, Business Law*, London, Cavendish Publishing.
- Schwenger, I. , 2016, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)* , Oxford: Oxford University Press.

# Legal Civilization

ISSN: 2873-1841  
ISSN: 2873-1922

No.27- Spring 2026

- Burden of Proof and Admissibility and of Evidence in International Commercial Arbitration  
Homayoun Mafi, Maedeh Asgharzadeh
- Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage  
Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi, Pouria Ebrahimzadeh
- Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment  
Amirreza Mahmoudi, Anusha Zafari Kore Tash
- Federative Rights in Football: Approaches of the Legal Systems of Iran, France, England, Argentina, Brazil, Spain and Colombia  
Behnam Noorzadeh
- Conflict of the Regulation of the Third Article of the Mandatory Formal Registration of Immovable Properties with Laws and Legal Principles  
Akbar Iman Poor, Sahand Nejadi Ijadkar
- Criminal Personality and Its Relationship with Effective Punishment  
Maryam Bahmai, Mostafa Karamipour
- Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law  
Farzin Yazdan Panah, Mohammadreza Nasiri
- Measures to Prevent Financial Corruption in the Banking System  
Alireza Deraei, Sayyed Ebrahim Mortazavi, Amirhasan Abolhasani
- Divorce at the Request of the Woman in the Iranian Legal System  
Mohammad Ahmadi, Helma Sadat Zorrieh Kermanshahi
- Assessing the Criminal Nature of Online Lotteries in Iranian Law  
Mohammadhossein Hajeb, Zahra Rabbani, Roya Asiaei
- Mutual Sale Contract in the Iranian Legal System  
Sadegh Mohebbi, Mohammadali Jahani
- Features and Characteristics of Cybercrimes in the Iranian Criminal System  
Seyedeh Elaheh Babonaki
- Studying the Right to Employment of Women in International Law  
Habibolah Abdollah Poor, Sama Khodayari
- The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of Shahid Fakhmideh Judicial Complex  
Leila Ahadi
- Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy  
Rojin Masoudi, Jamal Rezaei Hossein Abadi
- a Legal Analysis of the Regulatory Structure of the Unorganized Monetary Market in Iran: from Conceptual Ambiguities to Legislative and Executive Challenges  
Ali Babaei
- The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law  
Elahe Ghorban Karimi
- Based on the Best Interests of the Child; an Analysis of Custody with a Legal, Jurisprudential and Psychological Approach to Identifying Legislative Gaps  
Mona Komeyli
- Human Rights-Based Rehabilitation and Its Limitations in the Iranian Penal System  
Amin Reza Bahar Falamarzi
- an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units  
Mohammad Jokar, Sasan Vazin Pour
- Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law  
Mohammadreza Rezaei
- Implementing Regulations on Land Nationalization, Especially Endowment Lands, with Emphasis on Judicial Practice  
Esmaeil Chogani
- International Criminal Policy Against Genocide: A Comparative Analysis in International Criminal Tribunals  
Ali Hadian Haghighi, Saber Sayyari Zohan
- Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba  
Morteza Hashem Pour
- Legal Challenges and Harms of Unauthorized Accredited Institutions in the Iranian Monetary System  
Amin Aminl Nezhad
- The Impact of Prefrontal Cortex Dysfunction on Criminal Responsibility in the Crime of Intentional Murder  
Hamid Ghiasi, Mehdi Shaban Zadeh
- Artificial Intelligence and the Right to a Fair Trial in Light of the Iranian Constitution  
Pouria Zhoulideh
- Impact of Government Expenditure and Debt on Stock Market Growth in Iran  
Razieh Hojjati Nezhad
- the Position of the Central Counterparty Institution and Its Impact on the Principle of Privity of Contracts in Cross Border Transactions in the Legal Systems of Iran, Europe and the United States of America  
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- Strategies to Combat and Deal with Cybercrime  
Ahmad Padidar